

تبیین تحلیلی تربیت از منظر اصول، اهداف و روش ها از دیدگاه نهج البلاغه

ناهید حیدری^۱، محمد جواد یداللهی فر^۲، حسین شمس^۳

^۱ پژوهشگر (نویسنده مسئول)

^۲ پژوهشگر

^۳ پژوهشگر

چکیده

این پژوهش بر آن است تا با واکاوی نهج البلاغه خصوصاً نامه ۳۱، تبیینی از اهداف، اصول و روش های تربیت ارائه دهد یکی از ویژگیهای مهم این کار پژوهشی تلاش برای فراهم آوردن پژوهشی منظم در زمینه تربیت است و منبع قرار دادن نهج البلاغه به عنوان یکی از غنی ترین منابع در حوزه تعلیم و تربیت است. مسئله اصلی پژوهش، استخراج و تدوین اهداف، اصول و روشهای تربیت بر مبنای نهج البلاغه است. این پژوهش، جنبه نظری دارد و روش آن، توصیفی - تحلیلی و روش جمع آوری اطلاعات، کتابخانه ای است. «اهداف تعلیم و تربیت» در نهج البلاغه شامل، یک هدف غایی و چندین هدف واسطه ای است. هدف غایی تعلیم و تربیت در نهج البلاغه پرستش خدا با تاکید بر شناخت خداوند و اوصاف او و وحدانیت و عدالت اوست. اهداف واسطه ای نیز از نظر ایشان شامل: شأن جسمانی، شأن فکری، شأن اخلاقی، شأن اجتماعی، شأن اقتصادی و شأن سیاسی می باشد. اصول تعلیم و تربیت شامل: آخرت گرایی، عمل گرایی، امیدواری، پایداری، تعقل ورزی، تکبر گریزی و پیروی از طبیعت. روش های تربیت هم شامل: پرورش نیروی عقلانی، منع عزلت گرایی، روش مجازات و پاداش طبیعی و روش تربیت منفی می باشد.

واژه های کلیدی: تعلیم و تربیت، امام علی (ع)، نهج البلاغه

۱. مقدمه

یکی از مسائل مهمی که جوامع مختلف با آن روبرو هستند مسئله تعلیم و تربیت می باشد و اهمیت آن در نظام های آموزشی و پرورشی امری بدیهی و غیر قابل انکار است. تعلیم و تربیت در اسلام با نزول اولین آیات وحی بر پیامبر اکرم (ص) که فرمود: ﴿اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ؛ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ (العلق، ۵-۳)؛ آغاز گردید که در این آیات اولیه بر دو عنصر بنیادین تعلیم و تربیت، یعنی کسب علم و دانش از یک سو و تعالی روح و کمال انسانی از سوی دیگر تأکید می شود (حسینی، ۱۳۷۹: ۳). انسان به طور بالقوه استعدادهایی دارد که آفریدگار جهان جهت سعادت و کمال وی در وجودش به ودیعت گذاشته است (ادیب، ۱۳۶۲: ۱۱-۱۰). و برای اینکه انسان این استعدادها را شکوفا نماید و به هدف نهایی خویش نائل شود، نیازمند تعلیم و تربیت است،

یکی از منابع غنی در زمینه تعلیم و تربیت، کتاب شریف نهج البلاغه است، این کتاب سرشار از نکات تربیتی است؛ یعنی بیش از هرچیز دیگر، راهکارهای تربیتی ارائه می کند و برای کسی که می خواهد تربیت شود و تربیت کند بهترین و روشننگرترین منبع است. در میان نامه ها، خطبه ها و حکمت ها، نامه ۳۱ نهج البلاغه که خطاب به امام حسن (ع) نوشته شده یکی از برترین اسناد تربیتی است. از همین رو در این نوشتار بررسی اهداف، اصول و روش های تربیتی به نامه ۳۱ نهج البلاغه محدود شده است.

۱-۱. بیان مسئله

تعلیم و تربیت از مهمترین عوامل و ارکان فرهنگساز در جوامع انسانی به شمار می آید که عهده دار انتقال و ارتقای فرهنگ در جامعه است. منظور از تربیت، مجموعه تغییراتی است که امید است در مورد کسی که مورد تربیت واقع می شود، رخ دهد. تعلیم و تربیت انسان کاری بس ارجمند است زیرا که انسانیت انسان، به چگونگی تربیتش بستگی دارد. اگر در شرایط مناسبی پرورش یابد به خیل نیکان می پیوندد؛ و اگر تربیت وی مورد غفلت واقع شود، چه بسا که از حد حیوان نیز فروتر می رود.

یکی از کتبی که بعد از قرآن کریم حاوی نکات ظریفی در خصوص تعلیم و تربیت بوده، نهج البلاغه است. نهج البلاغه راهنمای اساسی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی متناسب با هر عصری است و در طول تاریخ همواره منبع مهم پژوهش برای اندیشمندان بوده است. تبیین و تحلیل دیدگاه علی (ع) در خصوص تعلیم و تربیت نیز از موضوعات مهمی است که مورد توجه افراد، خانواده ها، مؤسسات و نهادهای آموزشی و پرورش قرار گرفته است. به همین دلیل این نوشتار ویژگی های تعلیم و تربیت در نامه ۳۱ نهج البلاغه را مورد مذاقه و بررسی قرار داده است. و در پی آن است که به سؤالات ذیل پاسخ در خورد دهد.

۱- اهداف تعلیم و تربیت از منظر نهج البلاغه کدامند؟

۲- اصول تعلیم و تربیت از منظر نهج البلاغه کدامند؟

۳- روش های تربیت از منظر نهج البلاغه کدامند؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

تحقیقاتی پیرامون مباحث تربیتی در نهج البلاغه صورت گرفته، اما با جستجویی که انجام گرفت، معلوم شد درباره موضوع مورد بحث این مقاله، یعنی تبیین و تحلیل تربیت از منظر اصول، اهداف و روش ها از دیدگاه نهج البلاغه با محوریت نامه ۳۱ نهج البلاغه کاری انجام نشده است. در ادامه به چند مورد مشابه و موارد پرداخته شده در آنها اشاره می گردد:

سلطانی رنای (۱۳۸۷) در مقاله ای با عنوان، روش های تربیتی در نهج البلاغه، به بیان روش ها و راهکارهای علمی و عملی تربیت بر اساس دیدگاه های امام علی(ع) در نهج البلاغه پرداخته و در ارائه راهکارها و شیوه ها به ابعاد عاطفی و درونی انسان ها توجه بسیاری نموده است. روش های تربیت در نهج البلاغه شامل: الگوبرداری و پیشگیری، تذکر و یادآوری، محبت و مدارا، عبرت آموزی و بصیرت آفرینی و بالأخره عفو، تغافل و تشویق و تنبیه می باشد.

جوهری و دیگران (۱۳۹۰) در پژوهش تحت عنوان اصول و مبانی تربیت از دیدگاه امام علی(ع)، اصول تربیت را چنین عنوان اصل اعتدال، تدرج و تمکن، تسهیل و تیسیر، زهد، تعقل، تفکر، تدبیر، کرامت و عزت می باشند و در آخر نیز در مورد روشهای تربیت به توضیح در مورد روشهای الگویی، محبت، تذکر، عزت، موعظه، توبه، ابتلا و امتحان، مراقبه و محاسبه، تشویق و تنبیه با رجوع به کلام حضرت علی(ع) پرداخته شده است.

داوودنیا و جولازاده (۱۳۹۴) در پژوهشی با نام، روش های تعلیم و تربیت از دیدگاه حضرت علی(ع) به این نتیجه رسیدند که توجه و یاد خدا (شناخت خدای تعالی، دعا و نیایش)، توجه به معاد، تقوا و بیداری دل، شناخت و آگاهی دینی، احتیاط و میانه روی، وقت شناسی و پرهیز از صفات ناپسند (هواپرستی، عجب و خودبینی، طعام حرام) روشهایی فردی برای تهذیب نفس و خودسازی است که از جانب مربی باید به کار گرفته شود. و زمینه تربیت، جلب اعتمادمتری از راه ملاطفت و هوشیاری، استفاده از تجارب دیگران (قصه و سرگذشت اقوام و ملل)، مسئولیت های اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر)، تحمل سختی و مشکلات راه حق (جهاد)، یاری مستمندان، قرضالحسنه، نصیحت و پند و اندرز، آداب معاشرت و حقوق دوستان و آداب کسب و کار از جمله روش هایی است که از بازخورد و تعامل مربی و متربی به وجودمی آیند و زمینه تربیت متربی و متعلم را فراهم می کنند.

سارلی و دیگران (۱۳۹۶)، به پژوهشی با عنوان، اصول و اهداف تربیت از دیدگاه امام علی(ع) در نهج البلاغه پرداخته اند. یافته های این پژوهش شامل: تبیین جایگاه تربیت، ویژگی های نظام تربیت، اهداف (تعلیم حکمت، اشاعه تقوا و...)، اصول تربیت (آخرت گرایی، عمل گرایی، آرزو گریزی و...) و روش ها و راهکارهای عملی تربیت از دیدگاه امام علی(ع) می باشد.

۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

تعلیم و تربیت به دلیل نقش مهمی که در سرنوشت انسان و جامعه دارد از دیر باز مورد توجه اندیشمندان و پیشوایان دینی بوده و یکی از ارکان اساسی فرهنگ بشری را تشکیل می دهد، به همین دلیل این موضوع پیوسته در فرهنگ اسلامی مورد توجه بوده و امروزه نیز در بسیاری از کشور ها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. تعلیم و تربیت همواره از جمله دغدغه های مشترک جوامع انسانی بوده است. کشورها بر اساس طرز فکر و مکتب فلسفی و سیاسی خود، مقاصد تربیتی خود را تعریف می کنند و همین قضیه موجب تفاوت در سبک و روش و اهداف تربیتی می گردد.

یکی از معضلات اساسی بشر، روشن نبودن هدف غایی انسان و عدم ارائه برنامه تربیتی مناسب جهت تحقق آن می باشد. تا غایت مشخص نشود، نمی توان به یک برنامه تربیتی صحیح دست یافت. لذا برای شروع هر کاری باید مقاصد و اهداف آن عمل معین و روشن باشد تا برای تحقق آرمانهای مورد نظر از بهترین روش ها و وسایل استفاده گردد (نظری، ۱۳۸۸: ۳۳).

هدف در تعلیم و تربیت به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که آگاهانه و سودمند تشخیص داده شده و برای تحقق آن فعالیت های مناسب تربیتی انجام گیرد، هدف، از عناصر اصلی تعلیم و تربیت به شمار می رود و بدون آن جریان پیچیده و دراز مدت تربیت فرجام روشن و مسیر حرکت مشخصی نخواهد داشت (کرمعلیان، ۱۳۸۵: ۱۱۰).

در بیان اهمیت تعلیم و تربیت همین بس که تحقق گوهر آدمی منوط به آن است و از شرایط اساسی رسیدن آدمی به مرحله کمال است. بنابراین هدف غایی تعلیم و تربیت در اسلام این است که مقدمات حرکت و هدایت آدمی را در صراط مستقیم پرستش پروردگار فراهم آورد و معراج او را به مرحله کمال انسانی تسهیل نماید (شکوهی، ۱۳۶۹: ۹۵).

لازم به ذکر است تنها عاملی که انسان، چه در گذشته، چه در حال و چه برای برنامه های آینده اش آن را مهم یافته و بدان پرداخته و می پردازد عامل تربیت است، زیرا این عامل هم ابعاد زمانی انسان را به هم پیوند می دهد و هم موجب بهره وری بعدی از قبلی می شود (شعاری نژاد، ۱۳۷۷: ۹۹). اهداف تعلیم و تربیت در هر جامعه و ملتی از راه تحقیق و مطالعه پیرامون سبک و نوع زندگی اجتماعی آن جامعه میسر است. آنچه از مطالعه تاریخ به دست می آید این است که؛ اهداف تعلیم و تربیت در میان ملت های مختلف در قرون مختلف متفاوت با یکدیگر است. فلاسفه و متفکرین نیز هرکدام در طول تاریخ به نوبه خود در رابطه با فرایند تعلیم و تربیت و نقشی که در حفظ یک جامعه لایق و شایسته ایفا می کند، دیدگاه هایی داشته اند. شکی نیست که یکی از اساسی ترین مباحث در اسلام، فرایند خطیر تعلیم و تربیت است، به همین جهت شناخت نظام تعلیم و تربیت اسلام، اهداف، اصول و روش های آن ضروری جلوه می نماید. دین مبین اسلام برای فرایند تعلیم و تربیت اهمیت ویژه ای قائل شده است. به عبارتی دیگر از نظر اسلام تعلیم و تربیت در زندگی بشر مهم ترین و اساسی ترین جنبه زندگی است که هرگونه انحراف از آن باعث انحراف در همه امور زندگی می شود.

انسان زمانی شایسته نام انسان است که مراحل کمال و ترقی را طی نماید، در غیر اینصورت حیوان خطرناکی بیش نیست که به دلیل هوش سرشاری که دارد قادر است همه چیز را ویران نماید (صلیبی، ۱۳۷۵: ۱۱۵).

خداوند در قرآن می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيَنْشَرُ لَهُمُ الرِّسَالَةَ وَالْحَقَّ وَهُوَ الَّذِي يَهْدِي الرِّسَالَةَ﴾ (جمعه/۲). «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب و حکمت می آموزد هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» این آیه این حقیقت را دنبال می کند که تزکیه نفس و تربیت انسان ها یکی از اهداف اصلی پیامبر (ص) بوده است.

امام علی (ع) نیز در نهج البلاغه اینگونه می فرماید: «تو در نخستین مرحله آفرینش نادان بودی، پس از گذشتن از مرحله ای، دانا شدی و چه بسیار از مطالبی که حکمت و مصلحت آن را نمیدانی، اندیشه ات در آن حیران است و بینش تو در آن گم و غافل. پس از گذشت مراحل، درباره آنها آگاهی و بصیرت پیدا می کنی (نهج البلاغه، نامه ۳۱). بر اساس این خطبه، تعلیم و تربیت یعنی شکل یافتن انسان برای محیط زندگی و بهره مندی مستمر از گنجینه های نبوغ که در درون عقل های زنده و بیدار نهفته است. بنابر آنچه گذشت پژوهش حاضر به دنبال تبیین اهداف، اصول و روش های تربیت از دیدگاه امام علی (ع) با تاکید بر نهج البلاغه می باشد.

۴-۱. روش پژوهش

این پژوهش کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی (تحلیل محتوای کیفی). تحلیل محتوا عبارت است از: شناخت و برجسته کردن محورهای اصلی یک متن یا متون مکتوب، با هدف فراهم آوردن تحلیل توصیفی (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۸۲). همچنین تحلیل محتوای کیفی را می توان، روش پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوای داده های متنی، از طریق فرایندهای طبقه بندی نظامند، کد بندی و تم سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. بنابراین روش تحلیل محتوای کیفی روشی برای جستجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازشناسی روابط و شبکه های مفهومی است. از دیگر ویژگی های بنیادین پژوهش های کیفی، نظریه پردازی به جای آزمون نظریه است (ایمان، ۱۳۹۲: ۱۷۲). در پژوهش حاضر برای دستیابی به هدف پژوهش، اطلاعات مورد نیاز پس از مراجعه به محتوای منابع و مآخذ مرتبط با موضوع تحقیق که در قالب مجموعه نفیس نهج البلاغه، کتاب ها و مقالات معتبر علمی و... انتشار یافته است و به نوعی در

دسترس بوده اند، با روش سند کاوی، فیش برداری شده و سپس مفهوم تعلیم و تربیت و مولفه های آن (اهداف، اصول و روش ها)، استخراج و تبیین گردیده است.

۲. بحث

۲-۱. اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه امام علی (ع)

اهداف تعلیم و تربیت شامل یک هدف اساسی و چندین هدف واسطه ای است:

۲-۱-۱. هدف اساسی تربیت از دیدگاه امام علی (ع)

یکی از والاترین و مهمترین اهداف تربیتی در نهج البلاغه، پرستش خدا با تاکید بر شناخت اوصاف او و اعتقاد به توحید و وحدانیت و عدالت اوست، چنان که در خطبه اول آمده است: «سرآغاز دین معرفت اوست کمال معرفتش تصدیق ذات او کمال تصدیق ذاتش توحید و شهادت بر یگانگی او کمال توحید و شهادت بر یگانگی اش اخلاص و کمال اخلاصش آن است که وی را از صفات ممکنه پیراسته دارند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱)

امام علی (ع) در باب ستایش خداوند با اتکا به اصول عقیدتی آئین اسلام چنین می فرماید:

«ستایش می کنم خدا را به خاطر اتمام نعمتش و تسلیم در برابر عزتش و حفظ و نگهداری از معصیتش در نیازها از او استعانت می جویم چه آن کس را که خدا هدایت کند هیچگاه گمراه نمی شود و آن کس را که خداوند او را دشمن دارد هرگز نجات نمی یابد و هر کس که خداوند او را کفایت کند نیازمند نخواهد شد..... گواهی می دهم که جز خداوند یکتای بی شریک معبودی نیست.» (نهج البلاغه، خطبه ۲)

ایمان به عنوان اهم خصوصیات عقیدتی یک فرد مسلمان در نهج البلاغه مطرح می شود: «ایمان روشن ترین راه و نورانی ترین چراغ مسیر زندگی فرد است انسان در پرتو ایمان راه اعمال صالح را می یابد و با اعمال شایسته مومن می شود با ایمان کاخ علم و دانش آباد خواهد شد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶).

امام علی (ع) در تفسیر ایمان می فرماید:

«ایمان شناخت باقلب اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷).

۲-۱-۲. اهداف واسطه ای تربیت از دیدگاه امام علی (ع)

می توان گفت اهداف واسطه ای اهداف زمینه ای برای رسیدن به هدف نهایی یعنی همان پرستش و عبادیت می باشند که به قرار زیرند:

۲-۱-۲-۱. صحت و قوت جسمانی (شأن جسمانی)

بعد جسمی و بدنی یکی از ابعاد وجوابع تربیت اسلامی را تشکیل می دهد. امام علی (ع) به تربیت جسمی فرزندان علاوه بر تربیت روحی آنها اشاره کرده است آن حضرت به فرزندش امام حسن (ع) فرمودند:

«پسر! آیا تو را چهار نکته نیاموزم که به کمک آنها از طب بی نیاز شوی؟ گفت: چرا امیر مومنان! حضرت فرمودند: تا گرسنه نشدی بر سر سفره منشین تا کاملاً سیر نشدی دست از غذا بکش غذا را خوب بجو و پیش از خواب رفتن به دستشویی را فراموش مکن» (نهج البلاغه، خطبه ۳۱).

امام علی (ع) در جای دیگر می فرماید: "صحة الجسد من قلة الحسد یعنی سلامتی تن در دوری از حسادت است" (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۶).

۲-۱-۲-۲. تعقل و تفکر (شأن فکری)

امام علی (ع) میفرماید: (سرمایه ای از عقل سودمند تر نیستو تنهایی ترسناک تر از خودبینی و عقلی چون دور اندیشی و بزرگواری چون تقوا و همنشینی جز اخلاق خوش و میراثی چون ادب و رهبری چون توفیق الهی و تجارتی چون عمل صالح و سودی چون پاداش الهی نیست.) (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳).

یکی از اصولی که همواره در کلاناصحه امام علی(ع) مد نظر قرار گرفته است توجه به عقل و شکوفایی آن و پرهیز از یکی از غفلت و نادانی است اگر بخواهیم تعریفی کارکردی از تعقل و غفلت در کلام امام علی (ع) ارائه کنیم باید بگوییم تعقل فرایندی است ناظر به نوعی عاقبت اندیشی و غفلت متضمن نوعی بی توجهی نسبت به عاقبت امور می باشد. از این رو پدیده ی تعقل با عنایت به هدف و پایان کار و ترسیم میزان سود و زیان آن اقدام به گزینش و انجام عمل میکند ولی در موضع غفلت عنایتی نسبت به سرانجام کار و نتیجه ی آن وجود ندارد بلکه بیشتر تمرکز بروضعیت کنونی است. هر اندازه که عوامل شکوفا کننده و تقویت کننده عقل را بیشتر مورد توجه قرار دهیم از امکان بروز غفلت و نادانی جلوگیری خواهد شد. (مشایخی، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

امام علی (ع) در جایی دیگر میفرماید: پرهیزگاران در شب برپا ایستاده و مشغول نمازند. قرآن را جز به جز باتفکر و اندیشه میخوانند با قرآن خود را محزون و داروی درد خود می یابند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳ فراز ۸)

۲-۱-۲-۳. تزکیه و تهذیب (شأن اخلاقی)

امام علی(ع) شیوه هایی را برای تهذیب نفس ارائه داده اند. که در زیر به برخی از آنها اشاره می گردد:

۲-۱-۲-۳-۱. محاسبه نفس

یکی از شیوه های مهم خود سازی حسابرسی از (خود) است اینکه انسان گاهی به حسابرسی نفس خویش بپردازد و کارهای نیک و ناپسند خویش را مورد ارزیابی قرار دهند. امام علی (ع) م عبادالله زنوا نفسکم من قبل ان توزنوا و حاسبو قبل ان تحاسبو یعنی بندگان خدا کردار و گفتار خود را سنجیده پیش از آن که آن را بسنجند و حساب نفس خویش را برسید پیش از آن که به حسابتان برسند. (نهج البلاغه، خطبه ۹۰).

۲-۱-۲-۳-۲. تحمیل بر نفس

شیوه های دیگری که در مبارزه با نفس و خود سازی موثر است تحمل نمودن حالات و وضعیتهای نا خوشایند بر نفس است انسان از سختی ها و نامالایمات نا خوشایند است و تمایل به رهایی از آن ها را دارد و راه مبارزه با این تمایل تحمیل نمودن این حالات بر آن است. (طاهری و هاشمیان، ۱۳۹۳: ۶۹).

امام علی (ع) خطاب به فرزندش امام حسن (ع) می فرماید: "فرزندم خود را به شکیبایی در آنچه نا خوشایند است عادت ده" (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۲-۱-۳-۳. ریاضت نفس

ریاضت نفس به معنای تمرین دادن نفس بر انجام کارهایی است که خلاف تمایل اوست تا در اثر تکرار زیاد به انجام آنها خو گیرد و به آسانی انسان را در انجام کارهای نیک همراهی نماید بنابر این در ریاضت نفس نیز نوعی تحمیل بر نفس و محرومیت کشیدن نهفته است. (طاهری وهاشمیان، ۱۳۹۳: ۷۱).

امام علی(ع) ضمن معرفی خود به عنوان الگو در این زمینه می فرماید: "به خدا سوگند نفس خود را چنان ریاضت دهم که اگر قرص نانی برای خوردن فراهم آورم به آن شاد گردد و از نان خورش به نمک خورسند گردد" (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

۲-۱-۳-۴. متهم نمودن نفس

یکی دیگر از شیوه های برخورد با نفس متهم نمودن آن است خواسته ها و کشش های نفسانی چنان قوی و تاثیر گذار است که انسان را به سوی بدی ها می کشاند با این حال گاهی انسان از خود راضی می شود و خود را صالح و مهذب می پندارد و سر از عجب در می آورد با داشتن چنین احساسی از ضعف های اخلاقی خود غافل می ماند از این رو یکی از شیوه های برخورد با نفس متهم نمودن و عدم اعتماد به آن و در نتیجه در صدد مبارزه و تهذیب آن بر آمدن است. (طاهری وهاشمیان، ۱۳۹۳: ۷۱).

۲-۱-۴-۴. اقامه قسط (شأن اقتصادی)

عدل از اصول پنجگانه دین اسلام است که در متن نهج البلاغه معادل ضد ظلم و جور و اقامه حق و رهگشای جاده هدایت بندگان خود را برای زندگی در این جهان و کسب جایگاه والا در قیامت و آخرت گرفته شده است، از زمره خصایص ویژه خداوند است چنانکه در خطبه ۲۱۴ نهج البلاغه آمده است: گواهی می دهم که خداوند عادل است و دادگر و حاکمی است جداکننده حق از باطل. همچنین امام علی(ع) در تفسیر آیه «ان الله يامر بالعدل والاحسان» میفرماید: عدالت، حق مردم را دادن است و آگاه باشید که هر خونی خودخواهی و هر حقی صاحب و طالبی دارد، انتقام گیرنده خون های ما، همانند کسی است که برای خود داوری می کند و او خداوندی است که از گرفتن حق کسی ناتوان نشود و کسی از عدالتش فرار نتواند کرد (صلیبی، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

عدل در نهج البلاغه به عنوان عاملی در مقابل رفع ظلم و جور توضیح داده می شود "عدالت گشایش می آورد و آن کسی که عدالت بر او گران آید تحمل ظلم و ستم بر او گران تر خواهد بود (همان).

به طور کلی عدالت چهار رکن اساسی دارد: دقت در فهم، غور در علم و دانش، قضاوت صحیح، حلم و بردباری ثابت و پابرجا.

بنابراین آنکس که خوب بفهمد و به اعماق دانش آگاهی یابد و به عمق علم برسد سیراب از چشمه احکام باز می گردد و آن کس که علم و بردباری داشته باشد در کار خود تفریط و کوتاهی نمی کند و در میان مردم با آبرومندی و ستودگی زندگی خواهد کرد.

۲-۱-۵-۲. تعاون (شأن اجتماعی)

در نظام تربیتی اسلام در تعلیم و تربیت انسان بر هر دو بعد فردگرایی و جمع گرایی تاکید می شود، به همان سان افراد تربیت شده پایه های یک جامعه سالم و مسلمان را پی ریزی می کند، یک جامعه متکی بر روابط اجتماعی عادلانه و اسلامی زمینه ساز موقعیت هایی است که هر یک به نوبه خود می توانند در تکوین مثبت شخصیت معنوی و اجتماعی فرد تاثیر بسزایی داشته باشد، به این جهت این بعد تربیتی یا اهمیت خاصی متاثر از نظریات عقیدتی اسلام در نهج البلاغه مطرح شده و امام علی (ع) هم به آن توجه داشته اند نظام روابط اجتماعی مبتنی بر انس و محبت، اتحاد و دوستی، عدالت و حقیقت جویی، تواضع و فروتنی، نیکی و احسان و عفو و بخشش زمینه رشد و ابعاد مختلف شخصیت انسان را در جامعه اسلامی فراهم می سازد (صلیبی، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

یکی دیگر از مسائل مهم در بعد اجتماعی تربیت از دیدگاه نهج البلاغه پی ریزی جامعه و متکی بر اخلاق اسلامی است که در آن انسانهای با تقوا، زاهد و با ایمان متواضع و صادق و عادل تربیت شوند و بدین وسیله ثمرات چشمگیر تربیت اسلامی را مشخص می سازند، از این دیدگاه قابلیت تاثیر پذیری فرد از جمع و قابلیت تغییر رفتار فرد از نظر تربیت مطرح شده است (همان منبع).

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۹۲ می فرماید: " خداوند بر این امت منت گذاشته و پیوند الفت و اتحاد بین آنها ایجاد کرده تا در سایه آن زندگی کنند و در کنف حمایت آن پناهنده شوند و این نعمتی است که احدی نمی تواند بهایی برای آن تعیین کند، زیرا از هر بهایی گرانقدرتر واز هر چیز با ارزشی باعث با ارزش تر است" (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

۲-۱-۲. استقلال و عزت جامعه اسلامی (شأن سیاسی)

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: " هر گاه ملت به وظایف خود عمل کنند و حق حکومت را ادا نمایند و حکومت هم طبق مقررات اسلام به وظایف خود عمل کند و حق ملت را ادا نماید و روابط حکومت و ملت منطبق با قوانین الهی باشد در این صورت است که حق در میان ملت عزیز و قوی خواهد شد راه راست و جاده های دین هموار خواهد گردید و در نتیجه جامعه عزیز و نیرومند خواهد شد. (طاهری و هاشمیان، ۱۳۹۳: ۷۵).

امام علی علیه السلام در جای دیگر می فرماید: " اگر رعیت به حاکم حقش را بپردازد و حاکم حق آنها را نیز بدهد حق در میان آنان عزیز می گردد و روش های دینداری برپا می گردد " (نهج البلاغه، ۲۰۷).

۲-۲. اصول تربیت از دیدگاه امام علی علیه السلام

۲-۲-۱. اصل نفی عزلت گرایی کودکان

اسلام دینی است که اساس خود را خیلی صریح و روشن بر پایه اجتماع قرار داده است ودر هیچ شأنی از شئون خودنسبت به اجتماع بی تفاوت نبوده است. اسلام در تربیت افراد نوع انسان و راهنمایی به سوی سعادت حقیقی این رابطه واقعی بین خود و اجتماع را در نظر گرفته و بدیعی است که چاره ای جز این هم نبوده است (علوی و شریعتمداری، ۱۳۸۵: ۱۱۰).

امام علی در این زمینه به استمرار روابط خویشاوندی و نیاز انسان به شرکت در این روابط در جمع بودن تاکید می فرماید و میگوید: "ای مردم انسان هر اندازه ثروتمند باشد از بستگان و اقوام خود بی نیاز نیست که از وی با زبان و دستدفاع کنند خویشاوندان بزرگترین گروهی هستند که از انسان پشتیبانی میکنند پراکندگی و ناراحتی او را از بین می برند و در آن هنگام که حادثه ای پیش آید آنها به او پرعاطفه ترین مردم اند (نهج البلاغه، خطبه ۲۳)

در این نوع ارتباطات انسانی، عواملی نظیر عوامل اجتماعی، مال و ثروت نژاد و رنگ و دین نباید دخالت داشته باشند، اسلام هرگز عزلت را به عنوان یک اصل تربیتی در هیچ مقطع و هیچ مرحله ای از مقاطع و مراحل زندگی انسان قبول نکرده است بلکه با قائل شدن استعداد اجتماعی برای انسان بر این امر تاکید می ورزد که ضروری است در تمام سنین عمر در حفظ و پرورش استعداد مذکور کوشید، ضمن آن که اسلام خصوصاً حضور در متن جامعه اسلامی را طریقی اساسی به منظور تربیت استعداد اجتماعی انسان می داند و جامعه را جایگاه مهم و مقتدری در مسیر حل مشکلات تک تک افراد قلمداد می کند. (علوی و شریعتمداری، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

۲-۲-۲. اصل پیروی طبیعت

اسلام قائل به طبیعت عالی و نیکوی انسان می باشد، از دیدگاه قرآن کریم انسان از کرامت و شرافت ذاتی برخوردار است (اسراء، ۷۰) در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان وجود دارد عنصر ملکوتی و الهی وجود دارد، انسان دارای فطرتی است که او را به سوی تکمیل نواقص خود و رفع حوائجش هدایت نموده است.

از نظر عقلی اگر وضع حاکم بر فطرت با فطرت همسو نباشد، استعداد های عالی آدمی رشد نمی کند، اگر انسان دارای یک سری فطریات باشد قطعاً تربیت باید با در نظر گرفتن همان فطریات صورت گیرد. (ملکی، ۱۳۸۳: ۵۹).

در نگاه امام علی (ع) انسان ها با سرشت و طبیعت خاصی آفریده شده اند که این سرشت اولاً: مقتضای آفرینش انسان است و اکتسابی نیست، ثانیاً: همه افراد بشر از آن برخوردارند، ثالثاً: این طبیعت شدت و ضعف می پذیرد، اما تبدیل و تحویل در آن راه ندارد. (بهرامی، ۱۳۸۹: ۹۵).

امام علی (ع) در خطبه ای می فرماید: "ای خداوند، ای گستراننده زمین ها، ای نگه دارنده آسمان ها، و ای آن که آفریننده دل خایی بر فطرت و سرشت آن ها، چه آن دل که شقی بود و چه آن دل که سعید" (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۰).

این فطرت الهی که در سرشت انسان به ودیعت نهاده شده است و در آیات قرآن و سخنان امام (ع) شواهد و نشانه های متقنی بر آن وجود دارد، سبب می شود انسان از هوی و هوس خود پیروی نکند، در نتیجه به دیگران حسد نرزد، کینه کسی را به دل نگیرد، خودخواهی نکند و شرارت و فساد نرزد.

۲-۲-۳. دنیاگریزی

از جمله مفاهیمی که در فرهنگ تربیت اسلامی مورد تأکید قرار می گیرد ایجاد نوعی تقابل میان دنیا و آخرت و تقدم آخرت بر دنیا و فدا کردن رفاه فانی به قیمت دستیابی به آرامش جاودانه است. دیدگاه تقابل میان دنیا و آخرت و لزوم گزینش آخرت بر دنیا همواره در نگاه تربیتی امام علی (ع) مورد توجه و امعان نظر قرار گرفته است. در نگاه امام (ع) هرگز نمی توان بدون توجه به تعارض و تقابل دنیا و آخرت اقدام به تعامل با آن دو کرد، چرا که گزینش هر یک به معنای دست برداشتن از دیگری است. سوآلی که در این میان مطرح می شود، آن است که دست برداشتن از یکی به قیمت دیگری به چه معنا است. آیا فدا کردن دنیا برای نیل به آخرت یعنی دست برداشتن از نعمتهای دنیوی و کنار گذاشتن مطلق دنیا یا به کارگیری دنیا در طریق آخرت؟

کلام امام (ع) بیانگر این نکته است که دنیا دو نوع است: دنیای حلال و دنیای حرام. آنچه همواره رهن آخرت است دنیای حرام است و سوق دهنده به سوی آخرت دنیای حلال می باشد. بنابراین، دنیای حلال به معنای نعمتها و لذتهای مشروع، بستری برای دینداری و آخرت گرایی است و دنیای حرام انحراف از دین و قربانی کردن سعادت اخروی به قیمت لذتهای حرام می باشد. آنچه اهمیت دارد استخدام دنیا برای آخرت و نیل به عاقبت و سرانجام نیکو از طریق معامله صحیح با دنیا و نه ترک مطلق آن است. دنیا هرگز نباید متبوع آخرت و مقدم و حاکم بر آن باشد بلکه همواره به تبع آخرت و مؤخر از آن است (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۰).

رابطه دنیا و آخرت و نحوه مواجهه با هر یک از این دو در کلام امام علی (ع) نه تنها به طور مستقیم بیان شده است بلکه حضرت با آشکار ساختن ماهیت دنیا و آخرت و ارائه ویژگیهای آن دو و همچنین وضعیت انسان در مواجهه با هر یک از آنها همواره در صدد بیان این نکته هستند که ما بدون توجه به جایگاهی که در آن واقع شده ایم و همچنین بدون توجه به جایگاهی که پس از مدتی نه چندان طولانی به آن منتقل خواهیم شد، نمی توانیم تضمینی برای نیل به تربیت و هدایت، و سعادت و رستگاری داشته باشیم. توجه همه جانبه به دنیاشناسی و آخرت شناسی و نحوه تعامل با آن دو، به صورت مختلف در کلام امام علی (ع) مدّ نظر قرار گرفته است. آنچه مهم

است تبیین خط سیر تأثیر اصل آخرت گرایی و دنیاگریزی در روند تربیت از منظر امام(ع) است. شاید بتوان روند مزبور را چنین ترسیم کرد: الف) شناسایی دقیق دنیا و آخرت، ب) شناسایی ارتباط میان دنیا و آخرت، ج) نحوه تعامل با دنیا و آخرت(امامی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

بنابراین، شناخت دقیق دنیا و تبیین مرزهای آن با آخرت می تواند در دستیابی به درک عمیق آن و سپس عمل به مقتضای واقعی آن مؤثر باشد. از طرف دیگر، تداوم آگاهی مزبور عاملی اساسی در عمل به مقتضای هر یک از آن است. از این رو عنصر یاد و توجه به وضعیت دنیا و آخرت و اجتناب از غفلت و فراموشی در کلام امام(ع) به صور مختلف و مکررا مطرح شده است. این امر نه تنها به طور مستقیم بلکه به صورت غیر مستقیم و با تمسک به اموری که یادآور واقعیت هر یک از دنیا و آخرت هستند، مورد توجه قرار می گیرد. واقعیاتی از قبیل مرگ، فناپذیری، حساسی در قالبهای مختلف مرگ اندیشی، استقبال از مرگ، اشتیاق به مرگ و نهراسیدن از آن، روش برخورد با مرگ، عبرت از مرگ، قبر، قبرستان، فناپذیری، ثبت اعمال، رستاخیز، ارزیابی، بهشت و جهنم و... بیانگر اهتمام ویژه به غفلت زدایی از انسان و سوق او به سوی توجه مستمر به واقعیت دنیا و آخرت است. بدیهی است تأثیر علم و آگاهی در رفتار، منوط به میزان رسوخ آن در اعماق وجود انسان و یقین حاصل از آن است(ادیب، ۱۳۶۲: ۱۰۲).

اصل تربیتی آخرت گرایی دنیا گریزی ما را در مدار یک حرکت پیش رونده ای قرار می دهد که امکان تعالی در آن محدود به نهایتی نیست. تربیت و هدایت دینی بدون توجه به این اصل بنیادین امکان پذیر نیست، امری که از دیدگاه قرآن نیز حضوری فعال در جریان هدایت انسان دارد.

۲-۲-۴. اصل عمل گرایی، آرزو گریزی

در فرهنگ دینی، عمل هرگز در تقابل با علم قرار نگرفته است، بلکه برعکس، به هر میزان که علم گسترش یابد انتظار گسترش عمل نیز بیشتر خواهد شد. از طرف دیگر، هرگونه توسعه عمل متناسب با مقتضای آگاهیهای دینی، منجر به نوعی کسب آگاهی، بینش و معرفت خواهد شد و بالعکس، هر نوع کوتاهی در عمل منجر به تعمیق در جهالت و غفلت می شود. بنابراین، علم و عمل در یک ارتباط متقابل سبب تعالی و گسترش حوزه خود خواهند شد و از این جهت، رابطه میان آن دو، رابطه همیاری و همکاری متقابل است(قاسمی، ۱۳۷۴: ۹۸). از طرف دیگر، با مراجعه به قرآن و روایات درمی یابیم یک نوع تعارض آشکار میان عمل و آرزو به عنوان دو قطب در برابر یکدیگر وجود دارد. این تعارض حکایت از تقابل واقعیت و توهم و نیز صدق و کذب می کند، به این معنی که اگر فردی دارای رویکردی عملگرا باشد هرگز خود را با وعده های پوچ و آرزوهای طولانی و خیالی سرگرم نمی کند.

از منظر امام(ع) آرزو پدیده ای است که بستر شکل گیری آن نوعی جهالت به واقعیتهای وجودی و غفلت از محدودیتهای حاکم بر انسان است. از این رو، آرزو آفت اندیشه سبب غفلت از واقعیتهایی است که انسان با آن مواجه است(نهج البلاغه، خطبه، ۱۳۲).

آرزوگرایی یعنی عدم توجه به محدودیتهای وجودی و نیز غفلت از واقعیت دنیا و دل بستن به آن و فراموشی آخرت. بنابراین آرزو منجر به فریب انسان و غوطه ور شدن وی در غفلت و جهالت می شود. آنچه انسان را از این وادی سرگردان نجات می دهد، اهتمام به عمل است. عملگرایی یعنی توجه و هوشیاری نسبت به وضعیت انسان، محدودیتهای او و ارتباط وی با دنیا و آخرت. عملگرایی مستلزم نوعی مسئولیت شناسی در فرد است که نافی هر نوع خیال گرایی و تن دادن به لذتهای موهوم است(قاسمی، ۱۳۶۷: ۶۷).

بنابراین آرزوگرایی روحیه ای است که از نوعی دنیاگرایی منشعب شده است و بالعکس، عملگرایی ویژگی بارز فرد آخرت گرا و عاقبت اندیش است. اصل عملگرایی و آرزو گریزی در تربیت دینی ناظر به حاکمیت واقع نگری در روند زندگی و پرهیز از خیال پردازی است.

تأکید بر عمل و تداوم آن به طور طبیعی موجب اجتناب و پرهیز از آرزوگرایی و خیال پردازی خواهد شد. القای روحیه واقع بینی به مربی از رهگذر عملگرایی و آرزو گریزی ضامن نیل به تعالی در تربیت و رستگاری در هدایت است.

۲-۲-۵. اصل امیدواری و یأس گریزی

یکی از امکاناتی که همواره در روند تربیت دینی در نظر گرفته شده است، امکان جبران و تدارک وضعیتهای نامطلوبی است که موجب گمراهی و انحراف می شود. امید به فراهم بودن موقعیت برای رشد و باز نماندن از کاروان هدایت با ارتکاب گناه یا خطا نه تنها سبب ترغیب بسیاری برای ورود به جرگه دین می شود بلکه باعث رشد انگیزه در جهت تداوم حضور در متن دین خواهد شد. هرگز نمی توان شاهدهی مبنی بر لزوم خروج از جرگه دین با ارتکاب گناه و خطایی هر چند بزرگ یافت. از آنجا که انسان موجودی جایز الخطاست و همواره در معرض ارتکاب گناه و خطا قرار دارد نمی توان وی را با گرایش به انحراف برای همیشه از قلمرو دین خارج دانست و راه برگشت را بر او مسدود نمود. فهم و درک این امر برای هر انسانی بسیار اهمیت دارد که هر چند نباید مرتکب گناه شود اما اگر به هر دلیلی نتوانست از گناه اجتناب کند نباید مأیوس و ناامید شود، بلکه می تواند با جبران گناه مزبور و از بین بردن آثار آن نه تنها به حالت اولیه باز گردد، بلکه به دلیل شماتت خویش، حاصل از پشیمانی و ندامت، امکان بازگشت به گناه را کلاً بر خود مسدود می نماید یا به حداقل می رساند. مفاهیمی از قبیل توبه، رجا، توکل، آرامش و آسایش در مقابل یأس، ناامیدی و درماندگی از امکان تدارک، نشانگر حاکمیت اصل امیدواری یأس گریزی بر تربیت و هدایت انسان است (مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۱۰).

روحیه امیدواری به طور فعال در صدد نفی هرگونه مشخصه یأس و ناامیدی است و از این رو، مستلزم نوعی یأس گریزی فعالانه است که خود را در عمل نشان می دهد. توبه نمونه بارز دیگری از عمل است که نشانگر رسوخ روحیه امیدواری در فرد است. خداوند با افتتاح باب توبه و استغفار، زمینه بازگشت و امیدواری را فراهم آورده است.

بنابراین، جای هیچ شک و شبهه ای نیست که پرورش ویژگی امیدواری در فرد سبب بروز عمل و اطاعت بیشتر در وی می شود، چرا که امیدواری در مقام عمل اهمیت دارد، نه نوعی امید در خیال و آرزو. از طرف دیگر، رابطه ای ناگسستنی بین یأس از نجات با طمع به دنیا وجود دارد؛ کسانی که امیدوار نیستند به عمل روی نمی آورند و خود را در چنبره طمع و آرزوهای دنیایی محصور می کنند. بنابراین، مشاهده می شود که پیوندی مستحکم میان دو اصل سابق با اصل امیدواری یأس گریزی وجود دارد (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴).

۲-۲-۶. اصل تعقل ورزی، غفلت زدایی

یکی دیگر از اصولی که همواره در کلام ناصحانه امام علی (ع) مدنظر قرار گرفته است، توجه به عقل و شکوفایی آن و پرهیز از غفلت و نادانی است.

اگر بخواهیم تعریفی کارکردی از تعقل و غفلت در کلام امام (ع) ارائه کنیم، باید بگوییم تعقل فرایندی است ناظر به نوعی عاقبت اندیشی و غفلت متضمن نوعی بی توجهی نسبت به عاقبت امور. از این رو، پدیده تعقل با عنایت به هدف و پایان کار و ترسیم میزان سود و زیان آن، اقدام به گزینش و انجام عمل می کند ولی در موضع غفلت عنایتی نسبت به سرانجام کار و نتیجه آن وجود ندارد بلکه بیشتر تمرکز بر وضعیت کنونی است (طاهری و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۸).

با نگاهی اجمالی به کلام امام(ع) در می یابیم که توجه ویژه ای به عوامل مزبور و اجتناب از عوامل غفلت را شده است. این امر تا آنجا پیش رفته است که توجه به آن در تمام حالات و تک تک اعمال باید رعایت شود. عاقبت اندیشی و لزوم ترجیح فواید نهایی حتی به قیمت فروگذاری لذت‌های آنی و مقطعی مستلزم آخرت اندیشی و انجام عمل و پرهیز از آرزو و خیال پروری است و بالعکس غفلت، متضمن دنیاگرایی و خیال پروری و اجتناب از هرگونه پایداری و شکیبایی است. عوامل اساسی که شناخت و تأکید بر آن در پرورش بینش و ایجاد امکان بیشتر تعقل ورزی در دیدگاه امام علی(ع) بخصوص در نهج البلاغه به آن اشاره شده است، عبارتند از: الف) اندیشه و آفات آن، ب) اندیشه و تعقل در آیات عذاب، ج) بینش و توجه به عوامل تقویت کننده آن (توجه به قرآن، سنت پیامبر(ص)، احادیث، تاریخ و آثار گذشتگان)، د) موانع بینش^{۳۴} (وابستگی ها و سمت گیریه‌های عاطفی، حجاب‌های مادی، فتنه های اجتماعی)، ه) آثار بینش و بصیرت^{۳۵} (حرکت معقول و سنجیده، گرایش سالم، شهامت و خطرپذیری، زهد، استقبال از مشکلات، بدعت گریزی و قاطعیت) و آثار دوراندیشی امری که موجب تعادل و میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط می شود(مشایخی، ۱۳۸۵: ۶۵).

بدیهی است یک مربی آگاه با تمرکز بر عوامل سوق دهنده بینش انسانی، در صدد ایجاد فضایی روحی برای مربی بر می آید که خود وی از درون با تعقل و تفکر راه هدایت را بیابد و همواره در طریق سعادت گام بردارد. یکی از دستاوردهای تربیتی این اصل نوعی خود تربیتی است که وقتی فرد چراغ عقل را در درون روشن کرد و از تاریکی خود کاست، آنگاه بدون تکیه همه جانبه بر مربی قادر به گام برداشتن در مسیر خواهد بود و با امکان و ظرفیت عقلانی خود خواهد توانست راه را بشناسد و خود ناظر بر اعمال و ارزیاب خویش باشد.

۲-۲-۷. اصل تکبرگریزی

یکی از موانع مهم در طریق تربیت و نیل به سعادت، خودمحوری و غرور و تکبر است. این ویژگی راه پذیرش هدایت را مسدود می کند و سبب ایجاد سدّی بین فرد و عوامل تربیتی می شود. عنصر تواضع در مناسبات تربیتی از نظر امام علی(ع) ضرورتی غیرقابل اجتناب است. اگر تواضع و فروتنی و پذیرش این که انسان برای کمال نیازمند غیر خود است و باید در برابر برنامه های او پذیرش داشته باشد، در وی نباشد، امکان تحقق فضای تربیت از بین می رود. از این رو، تواضع در برابر خدا به عنوان محوری ترین بخش تواضع مطرح می شود. این نوع تواضع، چهره کامل خود را در عبادت الهی نشان می دهد. اگر تواضع و فروتنی در برابر مردم نیز مطرح می شود، در راستای تواضع در برابر خداوند قابل توجیه است. غرور و تکبر آفتی برای پندپذیری و رستگاری انسان محسوب می شود. محور تواضع نوعی نگاه به خود از زاویه قبول کاستیها و نقصانهای خویش و محور تکبر فریفته شدن به امکانات خویش و خودبزرگ بینی است. خودپسندی به عنوان آفت عقل و ادراک، نگاه انسان را محدود به خویشتن می نماید و وی را از امکانات بیرون از خود محروم می کند. بدیهی است این امر مستلزم پذیرش وجود کاستی در خویشتن است و بالعکس، تکبر با پیشفرض انحصار بر امکانات و تواناییهای خویش، راه عقل و بینش را در جهت کسب توانمندی بیشتر از طریق دیگران مسدود می کند. از این رو، ریشه اصل تواضع گرایی و تکبرگریزی همان تعقل و غفلت است(سارلی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۹). در فرهنگ تربیتی اسلام، غرور و تکبر سبب ضلالت آدمی است، امری که در سرآغاز خلقت سبب فریفته شدن شیطان و خود بزرگ بینی او شد و او را از بارگاه الهی خارج ساخت. از طرف دیگر، تواضع و فروتنی سبب نزدیکی به سرچشمه هدایت و زندگی در بهشت هدایت است، امری که در جریان خلقت انسان، ملائکه مظهر تامّ آن بودند. به هر میزان که روحیه تواضع در انسان پرورش یابد، امکان نیل به هدایت و قرب الهی بیشتر می شود و به هر میزان که ویژگی تکبر وی را محدود سازد، پافشاری بر ضلالت و گمراهی غیرقابل اجتناب است.

۲-۳. روش های تربیت از دیدگاه امام علی(ع)

۲-۳-۱. روش پرورش نیروی عقلانی

اسلام در جهت هدایت و رشد انسان ها آنان را توصیه به مشاهده توأم با تفکر در تمامی کائنات و اجزای طبیعت نموده است، نتیجه چنین مشاهده دقیقی نیز شکفته شدن عقل است و به همین علت روش فوق یکی از روش های پیاده شدن اصل تعقل می باشد.

اسلام برای پرورش عقل به کسب تجربه و استفاده از آن نیز تاکید می ورزد، امام علی(ع) عقل را استعدادی معرفی می کند که به وسیله علم و تجربه زیاد می شود، از دیدگاه امام علی(ع) عقل دو نوع دانسته شده است: عقل فطری و عقل تجربی و هر دوی آن ها برای انسان سودمند است و افزایش تجارب موجب افزایش عقل قلمداد گردیده است و عاقل کسی دانسته شده که از تجارب پند گیرد، امام علی(ع) ارزش فکر و ژرف نگری را به مراتب بیشتر از یک سری تکرارهای محض در جهت افزایش محفوظات قلمداد می کند. (علوی و شریعتمداری، ۱۳۸۵: ۸۷).

در تربیت عقلانی، انسان هم در عقل نظری و هم در عقل عملی به سوی کمال عقلی سیر می کند، در تربیت عقلانی قوای آدمی تسلیم خرد نورانی می شود و انسان به عقل اداره می گردد و هنر تربیت در این است که این زمینه را فراهم نماید. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷: ۷۸).

۲-۳-۲. روش دور ساختن کودکان از اجتماع

اسلام قائل به روش "دور ساختن کودکان از اجتماع" نمی باشد و ایمان به خدای متعال، اعتقاد فردی و اجتماعی و سیاسی توأم با هم می باشند، به همین علت ایمان صحیح و استوار با رهبانیت و گوشه نشینی مخالف است و بر ارتباط انسان با اجتماع تاکید می ورزد.

انسان دارای مواهب فردی و اجتماعی است و این مواهب در فعل و انفعال با یکدیگر بوده و بدین صورت تکامل می یابند، بسیاری از مواهب فردی انسان در حالت ارتباط او با اجتماع و مشارکتش در کارها و فعالیت های اجتماعی تبلور یافته و تکامل می یابد. (علوی و شریعتمداری، ۱۳۸۵: ۹۹).

۲-۳-۳. روش مجازات و پاداش طبیعی

اسلام فقط خود را محدود به مجازات طبیعی ننموده و از طرف دیگر همیشه مجازات طبیعی را تایید نکرده است، زیرا در بسیاری از موارد تحقق مجازات طبیعی عاری از رحم و عاطفه بوده و خطرناک می باشد.

علی محمدحسین ادیب در کتاب راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی(ع) در مورد مجازات طبیعی می گوید: "اگر طبیعت انسان را نسبت به وظایفی که بر اعضاء و جوارح او واجب شده به محاسبه می کشد در این محاسبه قرار نیست که وظیفه ای از وظایف مذکور خارج از دایره قدرت و استعداد انسان باشد" سپس نویسنده فوق کلامی از امام علی(ع) را ذکر نموده و در تفسیر آن به بحث می پردازد:

«ان علیکم رصدنا من انفسکم و عیونا من جوارحکم» یعنی بدانید که از نفس های شما مراقبان و از جوارح و اعضای شما دیده یا نهانی قرار داده شده است.

رصد به معنی مراقب است و این مراقب در این که ببیند و ثبت کند و عقاب نماید و ثواب دهد از هیچ نوع کوششی کوتاهیو قصور نمی ورزد، به همین جهت می بینیم که به دنبال این جمله می فرمایند: «من اساء خلقه عذب نفسه یعنی هر کس خلق خود را نامطلوب سازد نفس خویش را معذب ساخته است».

امام علی(ع) طبیعت را این طور می فهمد که بهترین چیزی که طبیعت به فرزندان خویش تقدیم می کند مجازاتی است در مقابل اعمالی که این فرزندان در این طبیعت انجام می دهند به همان گونه که انسان دست بر آتش می گذارد و بلافاصله دستش می سوزد. (طاهری و هاشمیان، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

۲-۳-۴. روش تعلیم و تربیت منفی

تربیت منفی از دیدگاه امام علی(ع) تا آن حد مورد تایید می باشد که در عین آن توصیه می کنداز همان اول زندگی، کودک را از عوامل نحرف سازنده محفوظ دارند، خواستار آن است که در هر مقطع سنی مخصوصا در کودکی و نوجوانی حتی المقدور و با روش های گوناگون از جمله پند و نصیحت کودک را متوجه امور پسندیده نمایند، با زبان کودکانه مسائل معنوی را مطرح ساخته و فرد را به سوی آن سوق دهند و افراد را در سنین شکل پذیری به تدریج با اجتماع و مسائل آن آشنا سازند.

البته بدیهی است که هر مربی و پرورشکاری باید رفق و مدارا و پرورش تدریجی را کاملاً مد نظر خود قرار داده و گام به گام در تربیت کودک بکوشد و استعداد و ظرفیت او را برای آموزش مسائل دیگر مورد توجه قرار دهد تا بتواند به هدف خود نائل گردد(همان منبع).

نباید در هیچ مرحله ای مسائل یکباره به کودک تحمیل نمود بلکه باید با فراهم آوردن مقدمات، آن هم به طور تدریجی، حقایق را به او تعلیم داد.

۳. نتیجه گیری

تعلیم و تربیت از مهمترین ارکان اجتماعی در جوامع انسانی به شمار می آید که عهده دار انتقال و ارتقای فرهنگ در جامعه است. هدف نهایی تربیت، که دورنما و چشم انداز نهایی نظام تربیتی را مجسم می کند، تربیت و پرورش استعدادهای درونی افراد است. در راستای دستیابی به این اهداف، در نظر داشتن اصول و روشهای تربیتی هستند که با اجرایی شدن آنها در نهایت، غایت تربیت محقق می گردد. در مقاله حاضر، نویسنده به بررسی اهداف، اصول و روشهای تربیتی در نهج البلاغه پرداخت و از آنجایی مبحث روشهای تربیتی در نهج البلاغه گسترده است، نویسنده تلاش نموده است که بررسی روشهای تربیتی را به نامه ۳۱ نهج البلاغه محدود کند. بنابر بررسی فوق مشخص گردید که، در اسلام تربیت به عنوان حقی برای کودکان و طبعاً تکلیف و وظیفه ای برای والدین ذکر شده است. این حق تا ۲۱ سالگی باید مورد رعایت و توجه والدین باشد از سویی دیگر می توان به این نتیجه رسید که اندیشه های امام علی(ع) در زمینه تعلیم و تربیت بسیار جامع و کامل می باشد. زیرا برگرفته از اندیشه وحی است، و خداوند را محور و اساس همه تلاش ها و کوشش ها قرار داده است و به انسان به عنوان یک موجود الهی نگریسته و برای انسان ها شرافت و کرامت قائل است، مقصد و هدف نهایی آن رشد و تکامل مادی و معنوی انسان بوده و سعادت انسان را در همه شرایط و موقعیت ها وابسته به میزان تحقق این مقصد و در نهایت میزان توجه و رضایت خداوند می داند. در نهایت باید اذعان نمود که اندیشه ها و مفاهیم تربیتی امام علی(ع) بعد از گذشت ۱۴ قرن

هنوز اندیشه برتر بوده، به گونه ای که می توان گفت تمام ویژگی های مثبت و نقاط قوت سایر مکاتب فلسفی- تربیتی را شامل می شود.

منابع

- ۱- ادیب، علی، حسین زاده، محمد (۱۳۶۲) **راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی(ع)**، تهران: موسسه انجام کتاب.
۲. امامی، جعفر، آشتیانی، محمدرضا (۱۳۵۸) **شرح فشرده ای بر نهج البلاغه**، موسسه مطبوعاتی هدف.
- ۳- ایمان، محمد تقی، نوشادی، محمود رضا (۱۳۹۲)، **تحلیل محتوای کیفی**، مجله عیار پژوهش در علوم انسانی
- ۴- بهرامی، محمد (۱۳۸۹). **علی(ع) و انسان شناسی قرآن**، فصلنامه پژوهش های قرآنی
- ۵- دلشادتهرانی، مصطفی (۱۳۷۸). **تربیت در نهج البلاغه**، تهران: انتشارات خانه اندیشه جوان
- ۶- جوهری، زهراریا؛ یوسفی، علیرضا، شکور، مهسا (۱۳۹۰)، **اصول و مبانی تربیت از دیدگاه امام علی(ع)**، اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، تهران، پژوهشگاه سیاستگذاری علم، فناوری، صنعت.
- ۷- داودنیا، نسرین؛ جولزاده، علی اکبر (۱۳۹۴)، **روش های تعلیم و تربیت از دیدگاه حضرت علی(ع)**، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی، روانشناسی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، سروش حکمت مرتضوی.
- ۸- دشتی، محمد (۱۳۷۹). **نهج البلاغه**، قم: انتشارات ظهور
- ۹- سارلی، زبیده؛ محمدی، ناصر، مولایی، برزو (۱۳۹۶)، **اصول و اهداف تربیت از دیدگاه امام علی(ع) در نهج البلاغه**، مجله مطالعات راهبردی و علوم انسانی و اسلامی.
- ۱۰- ساروخانی، باقر (۱۳۷۸)، **روش های تحقیق در علوم اجتماعی، اصول و مبانی**، جلد اول، پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۱۱- سلطانی رنای، مهدی (۱۳۸۷)، **روش های تربیتی در نهج البلاغه**، به بیان روش ها و راهکارهای علمی و عملی تربیت بر اساس دیدگاه های امام علی(ع) در نهج البلاغه، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۲- شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۹). **تعلیم و تربیت و مراحل آن**، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۳- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۷). **فلسفه آموزش و پرورش**، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۱۴- صلیبی، ژانست (۱۳۸۰). **تربیت از دیدگاه نهج البلاغه**، فصلنامه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی
- ۱۵- طاهری، عبدالمحمد، هاشمیان، سیده جنان (۱۳۹۳). **تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی(ع) با تأکید بر نهج البلاغه**، کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه ادبی.
- ۱۶- علوی، سیدحمیدرضا، شریعتمداری، علی (۱۳۸۵) **بررسی تطبیقی آرا تربیتی ژان ژاک روسو و اسلام**، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهیدچمران اهواز.

۱۷- قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۲)، **دوران طلایی تربیت**، قم: انتشارات نورالزهرا.

۱۸- قائمی، علی (۱۳۷۴) **تربیت و بازی کودک**، تهران: انتشارات امیری.

۱۹- کرمعلیان، حسن (۱۳۸۵). **تبیینی از اهداف تربیت اسلامی بر مبنای قلمروهای حیات**، نشریه تربیت اسلامی، دوره ۱، شماره ۲

۲۰- مشایخی، شهاب الدین (۱۳۸۶). **اصول تربیت از دیدگاه امام علی (ع)**، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۲۷

۲۱- ملکی، حسن (۱۳۸۳). **اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری (ره)**، فصلنامه مصباح، شماره ۵۰